



موضوع:

علل تجرد قطعی و آثار فردی و اجتماعی آن

حوزه علمیه امام صادق علیه السلام

نام و نام خانوادگی محقق: مجتبی محمدی

شماره پرونده مرکز مدیریت: ۹۳۳۲۳۸۵۰

پایه ۷

بهار ۱۴۰۳

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا

چکیده

در شریعت اسلام تأکید بسیاری بر ازدواج جوانان و اجتناب از تجرد شده است. اما در شرایط کنونی وضع به گونه ای رقم خورده است که مشکلات فراوان اقتصادی و فرهنگی بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد که سدّ راه آنان می شود. مهم ترین دغدغه فردی که می خواهد اقدام به ازدواج کند این است که آیا شغل مناسبی دارد که بتواند خانه ای اجاره کرده و خرج و مخارج زندگی خود را تأمین نماید یا خیر. با وضع اقتصادی فعلی که بر کشور حاکم شده است، بسیاری از جوانان از ازدواج سرباز زده و زندگی مجردی را ترجیح می دهند. بنابراین مسئولین مربوطه وظیفه دارند و بر آنها واجب و لازم است که در رفع این موانع تمام تلاش خود را در حیطه اختیارات خویش بکار گیرند تا سن ازدواج بیش از این بالا نرود. ضرورت بحث از این جهت است که باید علل و آثار تجرد قطعی مورد بررسی قرار گیرد تا نسبت به رفع آنها برنامه ریزی دقیق انجام و راهبردهای مناسب اندیشیده شود. پرسش اصلی این نوشتار این است که چه عللی در تجرد قطعی تأثیرگذار است و آثار فردی و اجتماعی آن چیست. با روش توصیفی و تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شده است. در نهایت این نتیجه حاصل گردید که عوامل مختلف اقتصادی و فرهنگی در این زمینه مؤثر هستند که برای مقابله با آنها باید مسئولین مربوطه تمهیداتی بیندیشند تا شرایط اقتصادی برای ازدواج جوانان فراهم آید و خانواده ها نیز در این مسیر با کم کردن سطح توقعات، کمک کنند.

کلیدواژه

ازدواج، تجرد، علل اقتصادی، علل فرهنگی، آثار فردی، آثار اجتماعی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۲
۱- کلیات.....	۳
۱-۱- بیان مسئله.....	۳
۲-۱- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش.....	۳
۳-۱- پیشینه موضوع.....	۴
۴-۱- سؤالات تحقیق.....	۵
۵-۱- روش تحقیق.....	۵
۲- مفهوم شناسی «ازدواج».....	۵
۱-۲- مفهوم لغوی.....	۵
۲-۲- مفهوم اصطلاحی.....	۷
۳-۲- اهمیت «ازدواج» در آیات وحی.....	۹
۴-۲- اهمیت «ازدواج» در اخبار و روایات.....	۱۱
فصل دوم: بررسی علل مجرد قطعی.....	۱۳
۱-۲- علل اقتصادی مجرد قطعی.....	۱۴
۲-۱-۱- مشکل اشتغال و بیکاری جوانان.....	۱۴

۱۵افزایش توقع مادی نسل جدید
۱۶علل فرهنگی تجرد قطعی
۱۶۲-۲-۱- برطرف کردن نیاز جنسی در روابط آزاد
۱۹۲-۲-۲- افزایش بی بند و باری
۲۰۲-۲-۳- افزایش ازدواج سفید در جامعه
۲۵فصل سوم: آثار فردی و اجتماعی تجرد قطعی
۲۶۱-۳- آثار فردی تجرد قطعی
۲۶۱-۱-۳- کاهش آرامش روانی افراد
	Error! Bookmark not defined.
۲۷۳-۱-۳- کاهش سطح معنویت افراد
۲۸۲-۳- آثار اجتماعی تجرد قطعی
۲۸۱-۲-۳- تضعیف شدن کانون خانواده
۲۸۲-۲-۳- برهم خوردن نظم اخلاقی و فرهنگی جامعه
۳۰نتیجه گیری
۳۱فهرست منابع

مقدمه

در سالیان اخیر وجود عوامل مختلفی باعث شده سن ازدواج جوانان در جامعه بالا رفته و میل به مجرد ماندن بین آنان افزایش پیدا یابد. در تحقق این اتفاق، عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دخیل هستند. بیکاری، مشکل مسکن، توقعات بالا در مهریه و جهیزیه و تشریفات عقد و عروسی، برقراری ارتباطات آزاد و رواج یافتن ازدواج سفید را می‌توان مهم‌ترین این عوامل برشمرد. برای جلوگیری از این مشکل بایسته است راهکارهایی مانند اشتغال‌زایی، ساخت مسکن برای زوجین جوان، نهادینه ساختن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و کم کردن سطح توقعات مورد توجه قرار گیرد.

مقاله حاضر دارای سه فصل است. فصل نخست آن درباره مفهوم ازدواج بحث کرده و این واژه را از دیدگاه اهل لغت و اصطلاح مورد بررسی و تبیین قرار داده است. فصل دوم درباره علل مجرد قطعی بحث می‌کند. در این فصل به برخی از مهمترین علل اقتصادی و فرهنگی مؤثر در مجرد قطعی جوانان پرداخته شده است. فصل سوم نیز در رابطه با آثار فردی و اجتماعی مجرد قطعی بحث کرده است.

عدم توجه به عوامل مجرد‌گزینی می‌تواند سبب تشدید این مشکل شده و سن ازدواج در جامعه بالاتر خواهد رفت. با توجه به شرایط فعلی که هر روز نسبت به گذشته، سن ازدواج جوانان بالاتر می‌رود و مشکلات بیشتری بر سر راه جوانان قرار می‌گیرد، بایسته است درباره عوامل مجرد ماندن و اجتناب از ازدواج از سوی جوانان و همچنین راهکارهای برون رفت از این مشکلات و موانع به دقت بحث و بررسی انجام گیرد. به همین دلیل نسبت به این موضوع بحث و بررسی انجام گرفته و در این مقاله بدان پرداخته شده است.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱- کلیات

۱-۱- بیان مسئله

در سالیان اخیر شاهد افزایش سن ازدواج و بالارفتن آن در کشور هستیم. در تحقق این امر عوامل مختلفی دخیل است. برخی از این عوامل در بُعد اجتماعی قابل بحث هستند؛ برخی دیگر در زمینه عوامل اقتصادی مطرح می شوند و برخی دیگر نیز جزء عوامل فرهنگی محسوب می شوند. هر یک از این دختران و پسران برای مجرد ماندن خود دلایل مختلفی را مطرح می کنند که از بیکاری و وضعیت اقتصادی گرفته تا تحصیلات عالی را شامل می شود، برخی از جوانان دم بخت مشکل اصلی خود را مشکلات اقتصادی و برخی هم انتظارات و شرایط طرف مقابل مانند داشتن مهریه های سنگین، شغل دائم، خانه و خودروهای لوکس می دانند.

به نظر می رسد شاید یکی از راه کارهای مقابله با تجرد گرایی میان جوانان و تشویق جوانان به ازدواج این است که باید خانواده ها نیز با شرایط امروزی همراه باشند، بحث تجملات در یک ازدواج می تواند مانع بزرگی بر سر راه یک جوان مجرد باشد، برخی از آداب و رسوم دست و پاگیر برای برگزاری مراسم ازدواج و برخی مسائل قضایی مثل زندان رفتن در صورت عدم تأمین مهریه نیز مانع ازدواج جوانان می شوند. البته خانواده ها نیز نباید در امر مهریه سختگیری بیش از حد داشته باشند و مهریه های نجومی تعیین کنند. بنابر این بهتر است در مرحله اول مشکلات اقتصادی و اشتغال حل شوند و دوم برای افزایش امید به زندگی جوانان برنامه ریزی شود. با استفاده از این راهکارها شاید بتوان مشکل ازدواج جوانان را حل کرد و سن ازدواج را پایین آورد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

برای اصلاح شرایط حاکم در جامعه و بهبود شرایط ازدواج جوانان، بهترین کار این است که ابتدا عوامل ایجاد این شرایط شناسایی شوند و مشخص شود چه عواملی سبب تجرد گزینی جوانان شده است. پس از روشن شدن این عوامل، می توان با از بین بردن آنها، شرایط موجود را اصلاح نمود. بنابراین برای اصلاح اوضاع موجود درباره بالارفتن سن ازدواج و مجرد ماندن جوانان، باید عوامل آن شناخته شود و راهکارهای مقابله با این مشکل مورد بررسی قرار گیرد.

شرایط اقتصادی و فرهنگی جامعه به گونه ای پیش رفته است که دیگر جوانان میلی به ازدواج ندارند. اگر هم مایل به ازدواج هستند، به دلیل وجود مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نمی توانند به هدف خود برسند. در جامعه امروزه سن ازدواج از سن معقول بالاتر رفته است، که مقصر این قضیه هم دستگاه های ذی ربط و مشکلات فراوانی به ویژه مشکلات اقتصادی است که سد راه جوانان برای امر ازدواج شده است. در این مسیر عوامل مختلفی وجود دارد اعم از مشکل بیکاری و اشتغال، مسکن، توقعات بالا و توجه بیش از حد به مادیات و تشریفات، اوضاع نابسامان بی حجابی و فساد و ازدواج سفید و هم خانه شدن دختران و پسران. از این رو بحث در این باره ضرورت دارد.

۱-۳- پیشینه موضوع

درباره مسئله ازدواج جوانان و فروع متعلق و مرتبط با آن مقالات و تحقیق های بسیاری انجام گرفته است. یکی از این پژوهش ها مربوط به موسی طیبی نیا است که با عنوان «میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن» نوشته شده است که در این اثر درباره موانع ازدواج و مشکلاتی که در این مسیر بر سر راه جوانان وجود دارد پرداخته شده است.

مقاله دیگری با موضوع «بررسی موانع ازدواج جوانان» توسط مرتضی شمسی، منیژه سراج و میثم شمسی نگاشته شده که در این اثر به بیان موانعی که جوانان در راه ازدواج با آن مواجه هستند، پرداخته شده است. مقاله دیگری با عنوان «علل انحراف در جوانان» توسط محمدمهدی رضوانی نگاشته شده و بررسی علل و عوامل انحراف در جوانان پرداخته، اما اشاره ای به دوره نوجوانی ننموده است. اثر دیگری با موضوع «نقش مهم خانواده در جلوگیری از انحرافات اخلاقی در دوره نوجوانی» توسط رضا علی اکبری نوشته شده که به تبیین تأثیر گذاری خانواده در پیشگیری از انحرافات اخلاقی پرداخته، ولی اشاره ای به عوامل آن نشده است.

مقاله ای با عنوان «عوامل مؤثر در رفتارهای جنسی و انحرافات دوره نوجوانی و راهکارهای پیشگیری و درمان» از فاضل عبادی یوسفی نگاشته شده و به بررسی و تبیین انحرافات جنسی دوره نوجوانی پرداخته است. وجه تمایز مقاله حاضر با آثار مشابه در این است که مقاله حاضر علاوه بر بررسی علل مؤثر در تجرد قطعی، آثار فردی و اجتماعی آن را نیز مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده است. از این رو می توان گفت با آثار مشابه خود متمایز است.

۱-۴- سوالات تحقیق

سؤال اصلی:

چه عللی در تجرد قطعی جوانان تأثیرگذار است و چه آثار فردی و اجتماعی را بدنبال دارد؟

سوالات فرعی:

۱. علل مؤثر در تجرد قطعی جوانان چیست؟
۲. آثار فردی تجرد قطعی جوانان چیست؟
۳. آثار اجتماعی تجرد قطعی جوانان چیست؟

۱-۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی است که پس از بررسی منابع مورد نیاز و مطالعه و فیشبرداری، مطالب مورد نظر با روش توصیفی در قالب مقاله حاضر تدوین یافته است.

۲- مفهوم شناسی «ازدواج»

۲-۱- مفهوم لنوی

ازدواج، مصدر باب افتعال است. و حروف اصلی آن، «ز و ج» است.^۱ از نظر لغت «زوج» به معنای جفت، (در مقابل فرد) عبارت از دو چیز همراه و قرین است؛ چه مماثل باشند، مانند دو چشم و دو گوش، و چه متضاد، مانند شب و روز.^۲ در مواردی، واژه زوج در معنای فرد، به شرط داشتن قرین، به کار رفته است. بر این اساس، به

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۲۴

۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۵۱۸

هریک از زن و شوهر، زوج و به هر دوی آنها زوجین اطلاق می‌کنند؛ چنان‌که در قرآن آمده: «وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجِينَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى».^۱

به کار بردن دو واژه زوج و زوجه (مذکر و مؤنث)، برای زن صحیح است؛ ولی قرآن، در مورد زن، همه‌جا «زوج و ازواج»، به جای «زوجه و زوجات» به کار برده است. راغب اصفهانی می‌گوید: همه چیز در جهان دارای زوج و قرین هستند. ولی با توجه به معنای زوج، کلمه ازدواج، مفهوم اقتران و اتحاد دو چیز را در برخواهد داشت. مرحوم صاحب جواهر پس از ذکر اقوال مختلف در معنای لغوی ازدواج، نظر خود را اینگونه بیان می‌دارد که نظر مشهور این است که ازدواج در لغت به معنای همخوابگی است و در شرع به معنای عقد است.^۲

برخی از فقها مدعی هستند در این معنا هیچ یک از دانشمندان اختلافی ندارند و برخی دیگر نیز ادعای اجماع دارند، چه این که استعمال این واژه در عقد متداول است و بعضی معتقدند که در قرآن جز در آیه «حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً غَيْرَهُ»^۳ به معنای هم خوابگی نیامده، یعنی در تمام موارد، استعمال این واژه در قرآن به معنای عقد ازدواج است. در آیه فوق نیز بعضی آن را به معنای ازدواج گرفته‌اند، نه همخوابگی و گفته‌اند: شرط بودن همخوابگی برای حصول حلیت در چنین ازدواجی، از دلیل خارجی فهمیده می‌شود، نه از آیه شریفه.^۴

در این که معنای نکاح شرعاً عقد باشد جای بحث وجود دارد، چه این که واژه نکاح مانند بسیاری از عناوین فقهی قبل از پیدایش دین نیز در میان جوامع مطرح بوده؛ چنان‌که بیع به معنای عقد نیست، بلکه به معنای نقل ملک است و قهراً نکاح نیز چنین است؛ شاهد، این که در موقع عقد هنگامی که زن بعنوان طرف قرارداد می‌گوید: (انکحت)، عقد را قصد نمی‌کند، بلکه سلطه مرد و صاحب حق شدن او در کامجویی از همسرش را در برابر مهر معین قصد دارد. پس مراد از نکاح و ازدواج، همان حق همخوابگی است و مجازاً به عقد ازدواج اطلاق می‌گردد. این به جهت علاقه سببیتی است که بین عقد خاص با حصول این حق وجود دارد.^۵

۱. نجم، ۴۵

۲. راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۲۵۴

۳. بقره، ۲۳۰

۴. زمخشری، محمدبن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۹

۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۴، ص ۵

بطور کلی می‌توان گفت واژه نکاح در فقه همان وطی است که معنای حقیقی آن ضمیمه شدن است؛ چنان که گفته می‌شود: (انکح الطئر ولدها؛ یعنی دایه به فرزندش پیوست)، و زن و شوهر در حالت خاصی به هم پیوسته اند و لذا کار آن دو نکاح است و بعدها این واژه مجازاً برای عقد استعمال شده، یا به سبب آن که عقد وسیله شرعی برای وصول به وطی است، یا به دلیل این است که در عقد معنای ضمیمه شدن وجود دارد، زیرا زن و شوهر به وسیله عقد به هم می‌پیوندند و مثل شخص واحدی می‌شوند که به کارهای زندگی می‌پردازد.^۱

۲-۲- مفهوم اصطلاحی

در تعریف اصطلاحی ازدواج آمده است: «قراری است مبتنی بر قانون، شرع، عرف، گفتار یا آئین خاص بین یک زن با یک مرد، برای ایجاد رابطه‌ی جنسی و معمولاً اساس خانواده‌ی فرزندزایی را تشکیل می‌دهد».^۲ ازدواج سبب دوام و پایداری نسل است و بقای بشر به آن وصل است. این قانون نظام آفرینش است و بر کل هستی حاکم می‌باشد.^۳ اما علاوه بر کارکرد تولید مثل و فرزندزایی، امر ازدواج باعث تکمیل نقائص و تکامل وجودی هر یک از زوجین است. در حقیقت می‌توان گفت:

«ازدواج قراردادی رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل جهت زندگی خانوادگی است که آدمی در سایه‌ی آن در خط سیر معین و شناخته شده‌ای از زندگی قرار می‌گیرد. زن و مرد در سایه‌ی ازدواج مکمل یکدیگر می‌شوند و هر کدام می‌توانند طریق سعادت‌مندی را پیش بگیرند».^۴

بنابراین ازدواج قراردادی رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل به منظور تشکیل زندگی خانوادگی است تا طرفین ازدواج در سایه آن، در خط سیر معین و شناخته شده‌ای از زندگی قرار گیرند. این قرارداد با رضایت و خواسته زن و شوهر و بر مبنای آزادی کامل دو طرف منعقد می‌گردد و در پرتو آن، روابطی بس نزدیک بین آن دو

۱. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ص ۳۸۶

۲. شایان مهر، علیرضا، دائره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ص ۵۹

۳. دشتستانی، علی، تجزیه و تحلیل روانی جنسی، ص ۷۳

۴. رضائیان، علی، مدیریت خانواده، ص ۱۷

پدید می آید. این قرارداد، ارتباط و پیوند دوطرفه به وسیله الفاظ و عباراتی معین انجام می گیرد که آن را «عقد» یا پیمان ازدواج می نامند.^۱

ازدواج و تشکیل خانواده، خدمتی است برای پدید آمدن یک کانون آسایش و خوش بختی و نشاط طبیعی، ارضای غریزه جنسی، لذت بردن از زندگی، بهره مندی از محبت و تعاون و مددکاری و سرانجام امتزاج دو روح در افق محبت و هم آهنگی و اتصال دو دریا از نیرو و قدرت، برای رسیدن به هدفی متعالی.^۲ علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه در این باره این چنین می نویسد:

«نکاح، حقیقت در «وطی» است و استعمال آن به عنوان یک عقد، از باب مجاز بوده و فهم چنین معنایی از نکاح، مستلزم وجود قرینه در عبارت است. اما اجماعاً نکاح حقیقت در معنای و طی است».^۳

سیدمرتضی در این زمینه نظری دارد که جز او، قائل دیگری در بین فقهای شیعه برای این نظریه یافت نشده است. سید مرتضی بر این باور است که نکاح، مشترک است بین عقد و و طی. یعنی مشترک لفظی است و در هر یک از این دو معنا که استعمال شود، بصورت حقیقی بکار رفته نه مجازی. تفاوت بین این دو در کلام و اینکه واژه نکاح در کدامیک از این دو معنا استفاده شده، نیاز به قرینه دارد.^۴ نظر دیگری که در این مجال وجود دارد، مربوط به مشهور فقهای شیعه است که معتقدند نکاح در معنای «عقد»، حقیقتاً استعمال می شود و در معنای «وطی» به صورت مجازی به کار می رود.^۵

در اصطلاح حقوق دانان نکاح به عنوان یک قرارداد محسوب می شود که به موجب آن، زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک شده خانواده ای را تشکیل می دهند. برخی از صاحب نظران در علم حقوق معتقدند ازدواج

۱. بگوینچ، عزت علی، اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب، ص ۲۹۹

۲. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، ص ۱۵۱

۳. حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، ج ۷، ص ۵۲۳

۴. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۲۹، ص ۵

۵. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۷، ص ۷۱

عقدی است که به موجب آن مرد و زن لااقل بر نفی محرومیت جنسی یا علاوه بر نفی آن محرومیت به منظور تشکیل خانواده و زندگی مشترک خانوادگی قانوناً با هم متحد می شوند.^۱

۲-۳- اهمیت «ازدواج» در آیات وحی

در آیات قرآن بارها به مسئله ازدواج و نکاح توجه شده و در این رابطه سخن به میان آمده است. به طور مثال در سوره روم چنین می فرماید:

«و از نشانه‌های قدرت و ربوبیت او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این کار شگفت‌انگیز نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند».^۲

کلمه «زوج» به هر یک از نر و ماده حیوانات در صورتی که جفت هم شده باشند اطلاق می‌شود، هم چنان که به هر یک از دو قرین چه حیوان و چه غیر حیوان نیز زوج گفته می‌شود. معنایش این است که برای شما و یا برای اینکه به شما نفع برساند از جنس خودتان زوج آفرید. در حقیقت می‌توان به این موضوع اشاره کرد که هر یک از مرد و زن دستگاه تناسلی دارند که با دستگاه تناسلی دیگری کامل می‌گردد و از مجموع آن دو تناسل صورت می‌گیرد، پس هر یک از آن دو فی نفسه ناقص، و محتاج به طرف دیگر است، و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می‌شود، و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند، و چون بدان رسید آرام می‌شود. بنابراین آیه فوق به صراحت از اهمیت ازدواج سخن گفته است.^۳

ذکر این نکته جالب توجه است که در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است، و با تعبیر پر معنی «لتسکنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده است. وجود همسران برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آنهاست یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود. این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط یکدیگر می‌باشند. بطوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک

۱. امامی، حسن، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۲۹

۲. (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ). روم، ۲۱

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۴۹

موجود و مکمل وجود او، چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد؛ اینگونه است که زن و شوهر می توانند موجب آرامش و سکون قلب و جان یکدیگر شوند.^۱ در سوره نور نیز به مسئله ازدواج اشاره شده و چنین می فرماید:

«مردان و زنان بی همسر تان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدستاند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و دانا است.»^۲

در آیه فوق، به یکی از مهم ترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان، و بی ریا و بی تکلف است، اشاره نموده است. «ایامی» در اصل به معنی زنی است که شوهر ندارد، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است، و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخلند خواه بکر باشند یا بیوه.^۳ تعبیر «انکحوا» فعل امر است؛ با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مساله ازدواج، و بالاخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هر گونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می شود.^۴

ذکر این نکته بایسته است که در آیه مذکور از صیغه جمع (و انکحوا) استفاده شده است. این صیغه ی جمع مربوط به اجتماع است. بدین معنا که اول پدر و مادر وظیفه دارند جوانان بی همسر خود را همسر دهند، اگر پدر و مادر نمی توانند، دولت اسلامی و اگر دولت اسلامی نمی تواند برای این کار مؤسسه و نهادی داشته باشد. به طور کلی منظور این است که همه اجتماع موظفند در ازدواج جوانان کمک و یاری برسانند.^۵ از دیگر آیاتی که درباره ازدواج بحث کرده اند، آیه سوم از سوره نساء است که می فرماید:

«و اگر می ترسید که به هنگام ازدواج با دختران یتیم عدالت را رعایت نکنید از ازدواج با آنان چشم پوشی کنید و با زنان پاک دیگر ازدواج کنید دو یا سه یا چهار همسر و اگر می ترسید عدالت را در باره همسران متعدد

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۹۱

۲. (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ). نور، ۳۲

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۵، ص ۳۲۹

۴. همان، ص ۳۳۰

۵. مظاهری، حسین، اخلاق در خانواده، ص ۸۵

رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زنانی که مالک آنها باشید، استفاده کنید. این کار از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند.^۱

در این آیه در باره ازدواج با یتیمان سخن می‌گوید. همان‌گونه که درباره اموال آن‌ها باید عدالت رعایت بشود، در مورد ازدواج با دختران یتیم نیز باید مصلحت آن‌ها رعایت بشود، در غیر این صورت باید از ازدواج با آن‌ها چشم‌پوشی کرده و با زنان دیگری ازدواج نمود. روی سخن در آیه به همه مسلمانان است. بنابراین معنی آیه چنین می‌شود که شما برای دوری از ستم کردن در حق دختران یتیم می‌توانید از ازدواج آن‌ها خودداری کنید و با زنانی ازدواج نمائید که موقعیت اجتماعی و فامیلی آنها به شما اجازه ستم کردن را نمی‌دهد و می‌توانید از آن‌ها دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر به همسری خود انتخاب کنید. منتها چون مخاطب، همه مسلمانان بوده است تعبیر به دو تا دو تا و مانند آن شده است.^۲

۲-۴- اهمیت «ازدواج» در اخبار و روایات

روایات بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد که به ضرورت و اهمیت مسئله نکاح و ازدواج اشاره دارد. رسول اکرم^۶ در روایتی می‌فرماید: «هر کس ازدواج کند، به درستی که از نصف دینش پاسداری کرده است».^۳ مرحوم شیخ حر عاملی، در کتاب وسائل الشیعه شش روایت در باب اهمیت ازدواج و کمک کردن برای ازدواج دیگران نقل می‌کند که در آن‌ها ثواب عجیب و مهمی برای کسی که به ازدواج کردن پسر یا دختر جوانی کمک کند، بیان شده است. به طور مثال از امام صادق^۷ چنین نقل شده است:

«شخصی نزد پدرم آمد. ایشان فرمودند: فلانی زن داری؟ گفت نه یابن رسول الله. پدرم فرمود: اگر خدا دنیا و آنچه در دنیاست به من بدهد و بگوید یک شب بی زن باش قبول نمی‌کنم. سپس ادامه دادند: خانم! اگر خدا آنچه در دنیاست به تو بدهد اما یک شب بی شوهر باشی ارزش ندارد. آقا! اگر خدا دنیا و آنچه در دنیاست به تو بدهد اما یک شب بدون زن باشی ارزش ندارد. در ادامه چنین فرمود: «آن کسی که زن دارد، آن کسی که شوهر دارد اگر دو

۱. (وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا). نساء، ۳

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۹

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵

رکعت نماز بخواند این دو رکعت نماز فضیلتش بیشتر از عبادت کسی است که شب را زنده بدارد و روز را روزه بگیرد»^۱.

کوچک‌ترین تردیدی در جایگاه عالی ازدواج در نگاه اسلام از منظر اخلاقی و اجتماعی نیست و آیات و روایات فوق نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه مسئله ازدواج در شریعت اسلام می باشد که این خود نشان دهنده نهی از تجرد و مجرد ماندن است. در روایتی از رسول اکرم^۶ چنین نقل شده است که «بدترین شما، افراد مجرد و عزب هستند»^۲.

روایت فوق از حیث سندی از اعتبار چندانی برخوردار نبوده و ضعیف است؛ اما در منابع متعدد شیعه و اهل سنت ذکر شده است. از طرفی توصیه به ازدواج در قرآن کریم و روایات به حدی است که به نوعی ضعف سند این روایت را جبران می کند. به هر حال؛ این که خودداری از ازدواج، شر بشمار آمده، می تواند ناشی از دلایلی باشد؛ مانند این که احتمال فساد و گناه در این شرایط بیشتر است، اما اگر فردی که به هر دلیل، فرصت ازدواج را نداشته، اما همچنان پاکدامن است، مشمول این روایت نخواهد بود.

بنابراین اگر فرد مجرد و عزب بتواند پاکدامنی خودش را در زمان تجرد حفظ نماید، مشمول روایت مذکور نمی شود؛ ولی در غیر این صورت براساس روایتی که می فرماید: «الْعُزَّابُ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ»^۳، جایگاهی شبیه شیطان خواهد داشت. مضاف بر این که کسانی از مجرد ماندن نکوهش شده اند که با فراهم بودن شرایط، تن به ازدواج نداده و به گناه می افتند؛ اما توصیه قرآن به کسانی که شرایط ازدواج را ندارند، آن است که باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند.

۱. همان، ص ۳

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۸

۳. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۱۰۲

فصل دوم: بررسی علل تجرد قطعی

۲-۱- علل اقتصادی تجرد قطعی

۲-۱-۱- مشکل اشتغال و بیکاری جوانان

کار و شغل داشتن یک جوان را باید به عنوان اصلی ترین عامل و پیش شرط برای اقدام به ازدواج قلمداد نمود. تبعاً بیکاری جوانان نیز مهمترین عامل اقتصادی در تجردگزینی است. اکثریت دختران و پسران مجرد بر این باورند تا زمانی که پسر، نتواند شغل مناسبی برای خود فراهم کرده و درآمد مناسبی داشته باشد، نباید به ازدواج فکر کند. پسران اصلی ترین دلیل تاخیر در ازدواج خود را نداشتن شغل می دانند و دختران نیز شغل داشتن پسر را از معیارهای اصلی خود برای ازدواج به شمار می آورند.

در مقوله پیوند بیکاری و تاخیر ازدواج جوانان، نظریه ای اجتناب از خطر به میان می آید این نظریه انگیزه های افراد را در چارچوب اقتصادی تبیین می کند و مدعی است افراد زمانی که در شرایط ناامنی اقتصادی قرار دارند و عدم قطعیت بالایی دارند از ریسک های غیرضروری زندگی شان اجتناب می کنند. حتی اگر جوانان تمایل به ازدواج به هنگام داشته باشند، در شرایط بیکاری و ناامنی اقتصادی ازدواج را ریسک می دانند.^۱

وقتی جوانان شغلی برای کسب درآمد نداشته باشند و یا اگر هم شغلی دارند، از آینده شغلی خود مطمئن نباشند چطور می توانند به ازدواج فکر کنند. جوانان، امروزه از دانشگاه فارغ التحصیل می شوند و تازه به این فکر می افتند که کاری را برای خود پیدا کنند که همین مورد سن ازدواج را بالا می برد، در حالی که در بیشتر کشورهای اروپایی جوانان بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی وارد بازار کار می شوند، به طوری که اشتغال برای جوانان اروپایی هرگز دغدغه آنها نیست؛ دولت می تواند سازوکاری را در این خصوص داشته باشد تا حداقل جوانانی که تحصیل کرده هستند بیکار نمانند.^۲

۱. مینویی، زهرا، بررسی ازدواج سفید، ص ۲۵۱

۲. همان

البته در این میان هستند کسانی که معتقدند انسان باید به خدا توکل کند و اقدام به ازدواج نماید؛ اما به نظر می‌رسد این ادعا و نظریه در جامعه کنونی و وضع فعلی نباید به حدی باشد که شخص را سفیه بخوانند. یعنی پسری که نه کار دارد نه درآمد و نه خانه و سرپناه، اگر اقدام به ازدواج نماید، او را سفیه می‌خوانند؛ چرا که بدون کار و درآمد چگونه می‌خواهد خانه اجاره کند و یا خرج خود و همسرش را بدهد و نفقه او را پرداخت کند.

در گذشته به علت وجود فرصت‌های شغلی در جامعه بسیاری از خانواده‌ها بدون در نظر داشتن اینکه پسر آنها شاغل است یا خیر برای وی زن می‌گرفتند و به طبع خانواده دختر نیز نسبت به شاغل بودن یا نبودن خواستگار کمتر توجه داشتند، چرا که به هر ترتیب فرصت شغلی در جامعه وجود داشت اما امروزه با توجه به اینکه فرصت‌های شغلی در کشور بسیار محدود بوده و اداره زندگی و خانواده نیز بدون درآمد امکان پذیر نیست، بسیاری از جوانان بیکار و خانواده آن‌ها قید ازدواج را زده‌اند. بر همین اساس سالانه شاهد افزایش سن ادواج در کشور هستیم و افراد ترجیح می‌دهند مجرد بمانند تا این که در منجلاب و سختی‌های زندگی مشترک بدون اشتغال قرار بگیرند.^۱

طبیعتاً تا زمانی که مشکل اشتغال جوانان حل نشود نمی‌توان انتظار داشت سن ازدواج پایین بیاید و دختر و پسر جوان جامعه تن به ازدواج بدهند. چرا که اغلب این ازدواج‌ها سرانجام ناخوشایندی داشته و با اختلاف و جدایی همراه خواهد بود.

۲-۱-۲- افزایش توقع مادی نسل جدید

یکی دیگر از عوامل اقتصادی تجردگزینی و ازدواج نکردن جوانان، بالارفتن سطح توقعات است که بیشتر جنبه مادی آن مدنظر است. خانواده دختر از پسر توقع مهریه‌های آن‌چنانی، پرداخت شیربها و برگزاری جشن عروسی دارند. در مقابل، خانواده پسر نیز از دختر انتظار دارند جهیزیه گران قیمت و کامل تهیه کند. تمام این‌ها مانعی می‌شوند برای ازدواج جوانان و در نتیجه سن ازدواج بالا می‌رود. این پدیده ریشه در گرایش به تجمل‌گرایی، کسب رفاه و توقع بیشتر از زندگی دارد که همگی ناشی از زیربناهای فرهنگی است. بنابراین بخش بسیاری از موانع اقتصادی ریشه در موانع فرهنگی دارد. در همین زمینه رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

^۱. همان، ص ۲۵۵

«موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. البته موانعی هم وجود دارد، ولی همه اقتصادی نیست. موانع اقتصادی بخشی از مشکل است، عمده موانع فرهنگی است؛ عادت‌ها، تفاخرها، چشم و هم‌چشمی‌ها، تجمل‌طلبی‌ها. این‌هاست که یک مقدار نمی‌گذارد آن کاری که باید انجام بگیرد، صورت پذیرد. باید شما و خانواده‌هایتان این گره‌ها را باز کنید»^۱.

بدیهی است که توسعه شهرنشینی و تمرکز بر رفاه فردی یا فردگرایی، در رفتارهای مربوط به ازدواج جوانان تغییر ایجاد نموده، اما مشکل مالی نمی‌تواند به عنوان عامل بازدارنده باشد، زیرا افراد متعلق به پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی بالاتر نیز به این مشکل اشاره کرده‌اند. بنابراین مشکلات مالی یک امر نسبی بوده و سطح انتظار فرد از زندگی می‌تواند تعیین‌کننده‌ی تشخیص فرد از مشکلات مالی باشد. افراد اگر بخواهند سطح توقعات مادی خود را بالا ببرند هرگز نمی‌توانند ازدواج کنند و همیشه باید عذب و مجرد بمانند.

۲-۲- علل فرهنگی تجرد قطعی

۲-۲-۱- برطرف کردن نیاز جنسی در روابط آزاد

یکی از مهمترین دلایل تجرد گزینی این است که نیاز جنسی و قوای شهوانی از طریق دیگری غیر از ازدواج ارضا شده و این نیاز تأمین شود. بدون تردید در کنار اهدافی مانند بقای نسل و رسیدن به آرامش جسمی و روانی، پاسخ گفتن به نیاز جنسی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف ازدواج است که در آموزه‌های دینی نیز بدان تصریح شده است. حال اگر این نیاز از طرق دیگر مثل تماشای فیلم‌های پورن و خودارضایی رفع شود، دیگر دختر و پسر جوان چه نیازی دارد که ازدواج کند و سختی‌های یک زندگی جداگانه و مستقل را به جان بخورد و با آنها دست و پنجه نرم کند.

متأسفانه در عصر حاضر با پیشرفت تکنولوژی و فضای رسانه، پورنوگرافی بسیار رواج پیدا کرده است. به گونه‌ای که در شبکه‌های اجتماعی کانالها و گروه‌های متعددی وجود دارد که نوجوانان و جوانان به راحتی می‌توانند به فیلم‌ها و تصاویر پورن دسترسی داشته باشند و با تماشای آن‌ها نیاز جنسی خود را شعله‌ور کرده و در اغلب

^۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۹

موارد دست به خودارضایی بزنند. واژه پورنوگرافی عبارتست از نمایش رفتارهای جنسی در کتاب، تصویر، فیلم و هر رسانه ارتباطی دیگری با هدف برانگیختگی جنسی مخاطب.^۱

واژه پورنوگرافی از دو واژه یونانی پورنی به معنای فاحشه و گرافین به معنای نوشتن تشکیل شده است. واژه پورنوگرافی در اصل به مفهوم هر کار هنری و یا ادبی درباره زندگی فاحشه‌ها بوده و در طی زمان با مفهوم جدید جایگزین شده است. در تعریف جدید، پورنوگرافی تشکیل شده از تصاویر بصری از اندام‌های جنسی و یا فعالیت‌های جنسی، که می‌تواند واقعی و یا شبیه‌سازی شده توسط تکنیک‌های سینمایی باشد، که هدف از آن تحریک حس جنسی و نه حس زیباشناختی مخاطب است.^۲

به عبارت دیگر می‌توان گفت پورنوگرافی، پورنوناگاری یا هرزه‌نگاری تجسم و نمایش بی‌پرده از رفتار جنسی با هدف هیجان، تحریک یا ارضای جنسی است که در قالب‌های مختلف از جمله کتاب، عکس، مجسمه، فیلم و مجله ارائه می‌شود. در بسیاری از موارد تمایز بین پورنوگرافی و هنر اروتیک تا حد زیادی ذهنی و بیانگر تفاوت‌های فرهنگی در جوامع مختلف است. در چند دهه اخیر، با گسترش فرهنگی که موضوعات جنسی را تابو نمی‌داند، صنعتی بر حول تولید و مصرف محتوای پورنوگرافی ایجاد شده است. گسترش و بهبود رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنت نیز در ترویج این صنعت نقش مهمی داشته است.^۳

این فعل در جامعه امروز به قدری رواج یافته است که قبح گناه بودن و مذموم بودن آن نسبت به گذشته کم شده است و هیچ بعید نیست در آینده با ادامه پیدا کردن همین وضعیت، این امر کاملاً طبیعی و عادی در جامعه جلوه داده شود. عادی شدن گناه و از بین رفتن قبح آن در جامعه، آثار بسیار غیر قابل جبرانی به دنبال دارد. بدین منظور معمولاً عذرتراشی می‌کنند.

۱. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۲۹۸

۲. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۲۹۸

۳. گارو، رنه، مطالعه نظری و عملی در حقوق جزا، ج ۳، ص ۱۲۴

یعنی توجیه می کنند که جوان نیاز به رابطه جنسی و ارضای نیاز جنسی دارد و در شرایط کنونی که ازدواج سخت شده است، چه اشکالی دارد که فیلم پورن ببیند و از طریق خودارضایی نیاز خود را برآورده سازد. توجیه گناه و عذرتراشی برای آن، از خود گناه نیز بدتر و بزرگ تر استب به گونه ای که در آیات و روایات متعددی نیز به این مطلب اشاره شده است. به طور مثال خداوند در سوره زخرف می فرماید:

«ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم»^۱.

توجیه گناه و عذرتراشی برای انجام معاصی و ترک تکالیف همیشه یکی از حربه های شیطان بوده و در صدر اسلام نیز این فتنه مشاهده می شود. جایی که مشرکان برای این که شرک خود را توجیه کنند می گفتند این رسم و فرهنگ نیاکان و گذشتگان ماست. بدین طریق گناه بزرگ خود را توجیه می کردند و برای آن عذر می تراشیدند. یا این که برای فرار از جنگ بهانه می آوردند که خانه های ما دیوار درستس ندارد و نمی توانیم آن ها را خالی بگذاریم. در سوره احزاب در این باره می فرماید:

«و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می خواستند و می گفتند: خانه های ما بی حفاظ است! در حالی که بی حفاظ نبود؛ آنها فقط می خواستند از جنگ فرار کنند»^۲

یکی دیگر از مصادیق توجیه گناه که در قرآن بدان اشاره شده و آن را مذموم دانسته است، توجیه فرزندکشی اعراب جاهلیت است که دختران خود را زنده به گور می کردند. خداوند در سوره اسراء می فرماید:

«فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان روزی می دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است»^۳

اعراب جاهلیت برای توجیه گناه فرزندکشی خود می گفتند ما نمی توانیم رزق آن ها را تأمین کنیم؛ علاوه بر این که می گفتند از این می ترسیم که در جنگ ها دختران ما به دست دشمنان بیفتند، غیرت ناموسی ما ایجاب می کند که نوزادان دختر را زیر خاک پنهان کنیم.^۴ امام صادق^۷ درباره توجیه گناه می فرماید:

۱. زخرف، ۲۳

۲. احزاب، ۱۳

۳. اسراء، ۳۱

«به‌مانند این‌گونه توجیه‌های زشت و ناپسند، مردم را گمراه می‌کنند و خود گمراه می‌شوند»^۱

توجیه گناه یک مفسده دیگری علاوه بر خود گناه نیز در پی دارد و آن هم این است که منجر به از بین رفتن قبح گناه به خاطر عادی شدن آن در جامعه می‌شود. در نتیجه گناه در جامعه عمومی می‌شود و سبک زندگی عموم مردم تغییر می‌کند. بنابراین نوجوانان و جوانان حق ندارند به جای ازدواج کردن به سراغ فیلم‌های پورن رفته و با استفاده از آن‌ها شهوت خود را غلیان درآورده و دست به خودارضایی بزنند.

۲-۲-۲- افزایش بی بند و باری

یکی از عوامل تجرد‌گزینی و مجرد ماندن جوانان این است که آمار بی بند و باری و فساد در جامعه افزایش پیدا کرده است. هر انسانی از نیروی شهوت و قوای جنسی برخوردار است. خداوند متعال، ازدواج را وسیله ای برای رفع این نیاز در وجود انسان قرار داده است. اما در جامعه امروز به قدری آمار بی‌حجابی و فساد بالا رفته است که دیگر جوانان برای رفع نیازهای خود نیازی به ازدواج ندارند؛ بلکه در قالب روابط دوستانه و آزاد به برقراری رابطه جنسی پرداخته و نیاز جنسی خود را برطرف می‌سازند.

در چنین شرایطی، سن ازدواج بالا رفته و میل به مجرد ماندن در جوانان بیشتر می‌شود. چرا که بدون پذیرش مسئولیت زندگی مشترک، نیاز جنسی خود را برآورده می‌کنند. با توجه به وجود بسترهای گوناگونی همچون اینترنت و شبکه‌های مجازی، برقراری ارتباطات دوستانه با جنس مخالف بسیار سهل و آسان شده است. در بسیاری از محیط‌های اینترنتی، افراد دیگر نمی‌توانند شما را ببینند. نامرئی بودن این جرأت را به افراد می‌دهد که به جاهایی بروند و کارهایی بکنند که در خارج از اینترنت نمی‌کردند.^۲

بسیار بدیهی و روشن است که بسیاری از کاربران رسانه‌های مجازی را جوانان تشکیل می‌دهند. جوانانی که با توجه به انفرادی شدن زندگی اجتماعی و جدا شدن از خانواده منجر به اعتیاد آن‌ها به این فضا شده است. افراد در

^۴ . مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۰

^۱ . حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۶۸

^۲ شجاعی، محمدصادق، روانشناسی و آسیب‌شناسی اینترنت، ص ۱۲۸

این شبکه به دنبال برقراری ارتباط با دیگران هستند و به نوعی به دنبال فرهنگ زندگی مجازی می باشند. در این بین ممکن است حریم خصوصی افراد توسط دیگران و یا حتی بوسیله خود فرد نقض گردد.^۱

بدین صورت که عکس‌ها و تصاویر خصوصی خود را برای یکدیگر ارسال می کنند و از این طریق به دیگران اجازه می دهند وارد زندگی خصوصی آن‌ها شوند. افرادی که به دنبال سوءاستفاده از این فضا باشند از این روش استفاده نموده و وارد زندگی شخصی دیگران می شوند و این خود، شروع ردّ و بدل شدن پیام های جنسی می باشد. عده ای از کاربران در این فضا حضور می یابند تا با لایک کردن تصاویر و فیلم های شخصی دیگران، وارد صفحات مجازی آنان شده و به صحبت با آنان پردازند.^۲

یکی از مضرات این بی بند و باری مجازی، پورنوگرافی آنلاین است که علاوه بر سطح جهان، در کشور ایران نیز از بازدیدهای فراوانی برخوردار است. در گذشته افراد اگر می خواستند به فیلم های پورنو دسترسی داشته باشند، کار بسیار مشکلی داشتند. اما امروزه با یک جستجوی ساده در فضای مجازی و یا با عضویت در برخی از صفحات، گروه ها و کانال ها در رسانه می توانند به راحتی به فیلم های پورن دسترسی پیدا کنند. جوانی که نیاز جنسی خود را از این طریق ارضاء می کند، طبیعی است که میل کمتری به ازدواج و قبول مسئولیت تشکیل خانواده پیدا می کند و ترجیح می دهد به همین طریق آزادانه و بدون دردسر نیاز خود را پاسخ دهد.^۳

بنابراین افزایش آمار بی حجابی و وضع نابسامان و نامساعد رعایت موازین شرعی در ارتباط دختر و پسر در جامعه، سبب می شود جوانان تن به ازدواج نداده و به همین سبک زندگی آزاد و رها راضی باشند و زیر بار مسئولیت تشکیل زندگی نروند.

۲-۲-۳- افزایش ازدواج سفید در جامعه

یکی از دلایل فرهنگی تجردگرینی در جامعه، رواج یافتن فرهنگ ازدواج سفید و هم خانه شدن دختر و پسر بدون ازدواج رسمی است. ازدواج سفید دلالت بر زندگی مشترک بدون ازدواج می کند که هیچ تعهدی در آن

^۱ منتظر القائم، مهدی، اینترنت، سرمایه اجتماعی، ص ۲۵۴

^۲ همان

^۳ جلالی، علی اکبر، آسیب شناسی فناوری اطلاعات در خانواده، ص ۱۲۴

وجود ندارد و طرفین خود را در قبال یکدیگر مسئول نمی دانند. به عبارت دیگر می توان گفت ازدواج سفید در حقیقت نوعی زندگی زناشویی و برقراری رابطه جنسی بدون ثبت رسمی آن است.

در این نوع ازدواج، زن و مرد با یکدیگر هم خانه هستند و در یک خانه زندگی می کنند؛ با هم رابطه جنسی برقرار می کنند و کارهای خانه را نیز اعم از امور خانه داری و مالی با یکدیگر انجام می دهند، اما هیچ مسئولیتی نسبت به هم ندارند و هر زمان که هر یک از آن ها بخواهد می تواند این رابطه را به پایان برساند؛ چرا که از نظر قانونی زن و شوهر محسوب نمی شوند. در ازدواج سفید بین زن و مرد رابطه عاطفی ایجاد می شود، اما بدون این که صیغه عقد نکاح بین آن ها جاری شود و به صورت رسمی زن و شوهر شوند، در کنار یکدیگر زندگی مشترک خود را انجام می دهند. به این نوع از ازدواج، هم‌باشی نیز گفته می شود.^۱

وجه تسمیه این و دلیل مدعیان نظریه فوق برای اطلاق واژه ازدواج سفید بر تعریف مذکور این است که در این نوع از ازدواج، شناسنامه دختر و پسر سفید می ماند و اسم آن ها در شناسنامه یکدیگر ثبت نمی شود. این قسم از ازدواج شباهت بسیاری به نکاح معاطاتی دارد که در مباحث آتی به تدقیق این دو مورد با یکدیگر مقایسه می شوند.^۲ مقام معظم رهبری در این باره این چنین بیان داشته است:

«ازدواج های سخت، این ازدواج های دیر، این فرزندآوری کم، این به تعبیر غلط زشتشان «ازدواج های سفید» که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است- همه اینها به خاطر این است که خانواده از بین برود. رواج شهوات، از بین رفتن حیا و عفت، امروز جزو برنامه‌های دشمن است».^۳

نظریه دیگری در تعریف و تبیین ازدواج سفید مطرح شده است که طبق آن، ازدواج سفید عبارت است از این که دختر و پسر به صورت قانونی با یکدیگر ازدواج می کنند و در یک خانه با هم زندگی می کنند، اما رابطه جنسی با هم ندارند. این نوع ازدواج معمولاً برای استفاده از مزایای آن مثل مهاجرت یا مسائل کاری به کار می رود. به این نوع از ازدواج معمولاً، هم خانگی نیز گفته می شود. وجه تسمیه این و دلیل صاحبان این نظریه این است که

۱. مینویی، زهرا، بررسی ازدواج سفید، ص ۲۸

۲. معیدفر، سعید، پذیرش یا ردّ ازدواج سفید، ص ۵۴

۳. رضایی، حسن، هم‌باشی سیاه، ص ۶۵

در این نوع از ازدواج، به اصطلاح ملحفه و پارچه‌ها تمیز و سفید می‌مانند و بر اثر برقراری رابطه جنسی و زناشویی کثیف و آلوده نمی‌شوند.^۱

با توجه به وجود ریشه‌های فرهنگی و مذهبی در بین مردم ایران، انقلاب جنسی کمی دیرتر از سایر کشورها توانست در بین مردم کشورمان رواج پیدا کند و میزان اثرپذیری مردم ایران نیز نسبت به سایر کشورها کمتر بوده است. به گونه‌ای که در جامعه فعلی و عصر حاضر که روابط خارج از محدوده ازدواج بین جوانان بیشتر از گذشته شده است؛ اما هم‌چنان ازدواج به صورت رسمی و قانونی و به صورت سنتی بین خانواده‌ها رواج دارد.

طبیعی است که با پیشرفت تکنولوژی و افزایش راه‌های ارتباطی بین مردم در تمام نقاط جهان، تغییرات اجتماعی و تبعیت از فرهنگ غرب، راه را برای ایجاد تغییرات فرهنگی باز نموده است؛ با توجه به وجود علل و دلایل دیگری از جمله مشکلات اقتصادی، نیاز به شناخت بیشتر، بالارفتن سن ازدواج و عدم مسئولیت‌پذیری، برخی از جوانان در سال‌های اخیر به ازدواج سفید و هم‌خانه شدن روی آورده‌اند.^۲

در خصوص ناهنجاری ازدواج سفید نیز می‌توان گفت با توجه به اینکه آمار رسمی از این نوع ازدواج در دست نیست، آنچه در جامعه مشخص شده، این است که دوامی بیشتر از سه سال ندارد. و در این میان دختر در حداکثرترین حالت سه سال از آبروی خود هزینه کرده و حالا پس از سه سال، آسیب بیشتری بر او وارد می‌شود. به بیان دیگر در ایران آمارهای رسمی و قابل استنادی به دلیل محدودیت‌های موجود درباره میزان رواج این شیوه زندگی وجود ندارد؛ با این حال تغییرات ارزشی بر افزایش میزان هم‌خانگی موثر بوده‌اند.^۳

بنابراین ازدواج سفید در سالیان اخیر بین جوانان بیش از پیش دیده می‌شود؛ اما آمار دقیقی در این باره وجود ندارد؛ چرا که یک عمل غیرقانونی و غیرشرعی محسوب می‌شود. دلیل ممنوع بودن ازدواج سفید، آیات قرآن کریم است که خداوند متعال در سوره مبارکه نساء در این باره چنین می‌فرماید:

۱. محمدی اصل، عباس، جنسیت ازدواج سفید، ص ۴۲

۲. آزاد ارمکی، تقی، پیدایش هم‌خانگی در تهران، ص ۸۹

۳. رضایی، حسن، هم‌باشی سیاه، ص ۶۹

«و اگر خواستید همسری دیگر به جای همسر پیشین جایگزین کنید و به همسر پیشین مال فراوانی به عنوان مهریه پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس مگیرید. آیا آن را با تکیه به تهمت و گناهی آشکار پس می‌گیرید؟* و چگونه آن را پس می‌گیرید در حالی که با آمیزش جسمی، تماس روحی و معاشرت به یکدیگر رسیده‌اید، و آنان از شما به وسیله قرارداد ازدواج پیمانی محکم گرفته‌اند»^۱

پیش از اسلام در بین اعراب جاهلیت رسم بر این بود که اگر مردی بخواهد ازدواج مجدد بکند، برای این که از پرداخت مهریه فرار کند، همسر خودش را به انجام اعمال منافی عفت متهم می‌کرد و آن قدر او را اذیت می‌کرد تا مهریه‌ی خودش را ببخشد. اما پس از اسلام، آیه فوق در جهت بطلان این گونه اعمال ناپسند که در دوران جاهلیت مرسوم بود، نازل گردید این اقدامات به به منزله کارشکنی در ازدواج تلقی نموده و از آن‌ها نهی نموده است.^۲

در ازدواج سفید نیز با توجه به این که فاقد صیغه معتبر شرعی و قانونی است و هر دو طرف هر زمان که بخواهند می‌توانند آن را بر هم بزنند، بنابراین کارشکنی در امر ازدواج به‌شمار آمده و یکی از مصادیق آیه مذکور محسوب می‌شود که از آن نهی صورت گرفته است. پس ازدواج سفید نیز منهی عنه بوده و به همین دلیل در فقه و قانون ممنوع دانسته شده است.^۳

مضاف بر اینکه چنین ازدواج فاقد صیغه یا عقد شرعی است. نکاح در شریعت اسلام به عنوان یکی از عقود به شمار می‌رود که صحت آن متوقف بر ایجاب و قبول است. مضاف بر این که در عقد نکاح ایجاب و قبول باید به صورت لفظی انجام بگیرد و گرنه در غیر این صورت رابطه زوجیت بین دختر و پسر منعقد نمی‌گردد. به همین علت است که نکاح معاطاتی نیز از سوی مشهور فقهای امامیه باطل دانسته شده است؛ چرا که ایجاب و قبول لفظی ندارد و بدون صیغه است. نظر مراجع عظام تقلید در زمان حاضر همگی دلالت بر بطلان نکاحی که بدون صیغه و ایجاب و قبول باشد، می‌کند. به طور مثال آیت الله سیستانی در این باره می‌فرماید:

۱. نساء، ۲۱-۲۰

۲. شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۱۲۹

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۳، ص ۲۴۴

«در زناشویی چه دائم و چه غیر دائم باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست».^۱

مقام معظم رهبری در این باره بر این باور است که ازدواج سفید همان ازدواج معاطاتی است و شرعاً کافی نیست و باید اگر باکره است با اذن پدر عقد خوانده شود و مهریه معین شود. متأسفانه موضوعی که شبیه زنا، رایگان است، نام ازدواج به خود گرفته است.^۲ مرحوم امام خمینی در خصوص نکاح معاطاتی و ازدواج سفید می فرماید:

«ازدواج بر دو قسم دائم و منقطع منعقد می شود؛ هر کدام از اینها نیاز به عقدی دارند که ایجاب و قبول لفظی داشته باشند که بر انشای معنای مقصود و انشای رضایت به آن دلالت نمایند؛ بنابراین مجرد رضایت قلبی طرفین مبنی بر عقد مذکور کفایت نمی کند».^۳

طبق نظر آیت الله مکارم شیرازی اصل بر این است که این ازدواج حکم زنا را دارد که هم خانه شدن بدون ازدواج رسمی، از نظر دینی هیچ فرقی با زنا ندارد و به هیچ عنوان نمی توان خصیصه های ازدواج را در آن یافت. در ازدواجی که زن و مرد با قصد خودشان بدون هر گونه قیودات شرعی و ثبت قانونی تن به رابطه دهند این نوع رابطه نه شرعی، نه عرفی و نه قانونی به حساب می آید و اساساً نام ازدواج نمی توان بر آن نهاد و یک رابطه غیرشرعی است.^۴

در چنین حالتی رابطه نسبی و سببی بین زن و مرد و فرزند حاصل از رابطه وجود ندارد و طبیعتاً فرزند شناسنامه ای بدون نام پدر و مادر خواهد داشت و نسب خود را تنها از خاندان مادری میگیرد. بنابراین با توجه به توضیحات فوق و مطالب گذشته، ازدواج سفید به دلیل این که اصلی ترین رکن عقد نکاح که همان ایجاب و قبول لفظی می باشد را ندارد، محکوم به بطلان بوده و ممنوع دانسته شده است. چرا که در اصل هیچ عقدی بین دختر و پسر منعقد نشده و هیچ زوجیتی نیز حاصل نشده تا نزدیکی بین دو طرف شرعی و قانونی باشد.

۱. سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل، ص ۳۶۵

۲. خامنه ای، سیدعلی، اجوبه الاستفتانات، ج ۱، ص ۴۱۲

۳. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۹۸

۴. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه: کتاب النکاح، ج ۱، ص ۲۳۴

فصل سوم: آثار فردی و اجتماعی تجرد قطعی

۳-۱- آثار فردی مجرد قطعی

۳-۱-۱- کاهش آرامش روانی افراد

یکی از آثار فردی مجرد قطعی افراد، کاهش آرامش روانی افراد است. خداوند در این خصوص می فرماید: «و از نشانه‌های قدرت و ربوبیت او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این کار شگفت‌انگیز نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند».^۱

کلمه «مودت» به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد؛ و «رحمت»، به معنای نوعی تاثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد، و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید، و صاحب‌دل را وادار می‌کند به این که در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند.^۲

قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است. وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آن‌ها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود. این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط یکدیگر می‌باشند؛ طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد.^۳

به دلیل ناهمگون بودن این نوع از روابط با فرهنگ دینی و اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی، افرادی که اندکی ذات الهی و خداپرست خود را حفظ کرده باشند، دچار احساس گناه شده و این احساس برای آنان اضطراب و پشیمانی به دنبال خواهد داشت که این خود میتواند سبب از بین رفتن آرامش و امنیت روانی دختر و پسری که در این رابطه قرار گرفته‌اند، گردد.

۱. روم، ۲۱

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۵۰

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۹۱

۳-۱-۲- کاهش سطح معنویت افراد

یکی از آثار فردی مجرد قطعی افراد، کاهش سطح معنویت افراد است. انسان از معنویت دور می شود و ارتباط او با پروردگار خویش کمرنگ خواهد شد. رابطه محبت آمیز با جنس مخالف از راه غیر شرعی، زمینه دور شدن فرد از توجه و علاقه به پروردگار را به وجود می آورد و لذت عشق ورزیدن به خدا را از او سلب می کند. هنگامی که قلب انسان از محبت خداوند تهی می شود، زمینه ایجاد عشق به غیر او، آن هم به شکل منفی و نامشروع پدید می آید. در نتیجه در دل های چنین اشخاصی، نشانی از محبت خداوند وجود ندارد. شهوت ها دل را از محبت خداوند دور می کند و این گونه ازدواج ها و هم خانگی ها هم یکی از مصادیق شهوتند.^۱

در روایات هم گرفتار شدن به محبت غیر خداوند، عقاب الهی تلقی شده که از سوی او برای چنین افرادی در نظر گرفته شده است. امام حسن مجتبی^۷ در روایتی در این باره می فرماید:

«ای هشام! خداوند به حضرت داود وحی کرد: ای داود یارانت را از حب شهوات برحذر دار و انذار بده؛ زیرا وابستگی قلوب به شهوات دنیا موجب دور شدن قلب ها از من می شود».^۲

یکی از راه های رسیدن به معنویت و افزایش میزان ارتباط با خداوند، ازدواج است. ازدواج پاک می تواند تأثیر بسیاری در ابعاد مختلف روح و روان انسان برجای بگذارد و موجب رشد و شکوفایی انسان گردد. در بیان اهداف زندگی مشترک نیز این گونه گفته اند که هدف بنیادی ازدواج و تشکیل خانواده، نزاهت، قداست، پاکی و طهارت، امنیت روانی و ایجاد محیطی برای رشد و تکامل است. رسول اکرم^۶ در روایتی در این باره می فرماید:

«چون مردی به زنش و زنش به او از روی مهر بنگرند، خداوند بزرگ آن دو را با دیده رحمت بنگرد».^۳

۱. نراقی، احمد، معراج السعادة، ص ۲۹۶

۲. برقی، احمد، المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۸

۳. حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۵۴

۲-۲- آثر اجتماعی مجرد قطعی

۱-۲-۳- تضعیف شدن کانون خانواده

یکی از آثر اجتماعی مجرد قطعی افراد، تضعیف شدن کانون خانواده است. مجرد قطعی به صورت جدی می تواند سبب تضعیف و حتی فروپاشی کانون خانواده گردد. چرا که در هم خانگی، دختر و پسر هیچ تعهدی نسبت به یکدیگر ندارند و هر زمان که بخواهند می توانند از هم جدا شده و به سراغ پارتنر دیگری بروند. این مسئله کاملاً با اهداف تشکیل خانواده که تعهد و رسیدن به آرامش در کنار یکدیگر می باشد، در تضاد بوده و مغایرت دارد.

در مقوله ازدواج، رابطه جنسی به عنوان یک عامل برای استحکام خانواده و محکم ساختن ستون‌های آن نگریده می شود؛ اما در ازدواج های غیرشرعی و دوستی های دوران مجردی، به رابطه جنسی به عنوان یک عمل در راستای برطرف ساختن نیازهای شهوانی و کنترل هیجانان جنسی نگاه می کنند. به همین دلیل است که هر کدام از دختر و پسر اگر به مرحله ای برسند که احساس کنند با شخص دیگری می توانند به رضایت جنسی بهتری دست پیدا کنند و با او بهتر ارضا می شوند، به ارتباط با هم خانه‌ی خود پایان داده و به سراغ دیگری می روند. به همین علت است که صاحب نظران عرصه روانشناسی معتقدند هم خانگی نمی تواند مانند ازدواج رابطه عمیق و پایداری بین زن و مرد و بین آنان و فرزندانشان ایجاد کند.^۱

۲-۲-۳- برهم خوردن نظم اخلاقی و فرهنگی جامعه

یکی از آثر اجتماعی مجرد قطعی افراد، بهم خوردن نظم اخلاقی و فرهنگی جامعه است. شکل گیری یک اجتماع آلوده که از مناسبات حکیمانه بی بهره است، زاییده امور مختلفی است. شهید مطهری در این زمینه می نویسد: «طبیعت روحی و اخلاقی آدمی مانند آب است، تحت تأثیر اشیاء مجاور قرار می گیرد. بستر آلوده یعنی محیط اجتماعی آلوده، او را به شکل و طبیعت خود در می آورد و همچنان که ملاقات دست با جامه آلوده، آب زلال را فاسد می کند».^۲

۱. محمدی اصل، عباس، جنسیت ازدواج سفید، ص ۳۵۱

۲. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، ج ۲، ص ۱۹۱

باید توجه نمود که عوامل زیست محیطی به میزان کمی در احتمال ارتکاب جرم و گناه تأثیر دارد. ولی عدم تأمین رفاه اقتصادی در صحنه رقابت و تقابل های دنیوی احتمال ارتکاب ناهنجاری ها را بیشتر افزایش می دهد. لذا امام علی علیه السلام به جایگاه های نیکو، از نظر آب و هوای پاک و گوارا و زمین خوب زراعی توصیه می کنند.^۱

صفات ناپسند و گناهان، کفر، فسق و عصیان در عمق جان افراد شکل میگیرد. پس باید از محیطها و رفتارهایی که عقل و فطرت آنها را به رسمیت نشناخته، حذر نمود. چنانکه پیامبر اقامت و مهاجرت در سرزمین های غیراسلامی را محدود ساختند. چرا که مسلمانان از اظهار شعائر اسلامی عاجز می باشند و احتمال انحراف از ارزش های دینی است. رسول اکرم^۶ در این باره می فرماید:

«من از هر مسلمانی که در سرزمین دشمنان در حال جنگ با کشور اسلامی اقامت گزیند بیزارم».^۲

در هر صورت کشش های اجتماعی قادر است عموم مردم را بدون اندیشه و فکر با آداب و هنجارهای خود منطبق سازد. لذا در نتیجه محیطهای آلوده، نور فطرت و عقل ضعیف می گردد و نوجوان نمی تواند خود را از وقوع در انحرافات اخلاقی حفظ کند.^۳

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۳۴

۲. نوری، حسین، مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۳۰

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۸۱

نتیجه گیری

بهترین راهکار برای جلوگیری از گرایش جوانان به مجردگزینی و روی آوردن به زندگی مجردی این است که مقدمات ازدواج برای جوانان فراهم گردد. در این صورت دیگر برای رفع نیازهای جنسی خود به سراغ روابط غیرشرعی و غیرقانونی نخواهند رفت. همچنین ترویج فرهنگ ساده زیستی نیز می‌تواند تأثیر بسیاری زیادی داشته باشد؛ چرا که جوانان ترغیب می‌شوند زندگی خود را با حداقل امکانات آغاز نمایند و برای شروع آن به دنبال فراهم ساختن تجملات و مقدمات فراوان نخواهند بود.

در راستای تحقق این موارد، افراد و عوامل بسیاری نقش دارند؛ اما بیشترین وظیفه برعهده دولت‌مردان و سیاست‌مداران است که با تصویب و اجرای قوانین مناسب، به تسهیل ازدواج جوانان کمک نمایند. رسانه‌ها نیز در زمینه ترویج فرهنگ ساده زیستی نقش غیرقابل انکاری برعهده دارند. مردم و علی‌الخصوص جوانان را باید از طریق رسانه‌های گوناگون اعم از تلویزیون، رادیو، کتب، مقالات، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نسبت به پیامدها و تبعات جبران ناپذیر مجرد ماندن و بالارفتن سن ازدواج آگاه و مطلع کرد.

البته نمی‌توان برای جلوگیری از مجرد قطعی، رو به ازدواج اجباری آورد. زیرا ازدواج بدون رضایت زوجین از نظر قرآن و عقل و شرع و قانون پذیرفته نیست و تحمیل کردن ازدواج به فرزندان منع شده است؛ تا جایکه قانونگذار در ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی ذکر کرده رضایت زوجین شرط نفوذ عقد است. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران باید قانونی تدوین کند که صراحتاً به امر ازدواج تحمیلی بپردازد و برای والدین مسئولیت مدنی پیش بینی کند. به عنوان مثال والدینی که فرزندان خود را مجبور به ازدواج می‌کنند در مقابل خسارت مادی و معنوی که به قربانیان ازدواج تحمیلی وارد می‌آید مسئولیت مدنی دارند. بلکه باید علل مجرد قطعی را شناسایی و از مسیر ازدواج جوانان حذق کرد تا فرهنگ ازدواج آسان در جامعه نهادینه شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ شانزدهم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۳۲ه.ق.
۲. امامی، حسن، حقوق خانواده، چاپ چهل و هشتم، تهران: حقوق اسلامی، ۱۳۹۲ه.ش.
۳. آزاد ارمکی، تقی، پیدایش ازدواج سفید در ایران، تهران: علوم اسلامی، ۱۳۹۳ه.ش.
۴. برقی، احمد، المحاسن، چاپ نهم، بیروت: دارالکتاب، ۱۴۲۹ه.ق.
۵. بگویچ، عزت علی، اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴ه.ش.
۶. تمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، چاپ سیزدهم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۹ه.ق.
۷. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ه.ش.
۸. جلالی، علی اکبر، آسیب شناسی فناوری اطلاعات در خانواده، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده خانواده، ۱۳۸۲ه.ش.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، چاپ سیزدهم، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۶ه.ق.
۱۰. حرانی، حسن ابن شعبه، تحف العقول عن اخبار آل الرسول، چاپ دوازدهم، تهران: اسلامیة، ۱۳۸۵ه.ش.
۱۱. حسینی، سیدابوالقاسم، اصول بهداشت روانی، چاپ دهم، مشهد: آستان قدس، ۱۳۸۵ه.ش.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه، چاپ سوم، قم: جامعه مدرسین حوزه های علمیه، ۱۴۱۸ه.ق.
۱۳. خامنه ای، سیدعلی، رساله اجوبه الاستفتائات، چاپ پنجاه و یکم، تهران: نشر بین الملل، ۱۳۸۸ه.ش.
۱۴. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۵ه.ق.

۱۵. دشتستانی، علی، تجزیه و تحلیل روانی جنسی، چاپ سوم، تهران: ملاصدرا، ۱۳۸۹ه.ش.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ شصت و هشتم، تهران: چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ه.ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ه.ق.
۱۸. رسولی محلاتی، سید هاشم، شرح غرر الحکم و درر الکلم، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ه.ش.
۱۹. رضایی، حسن، هم‌باشی سیاه، چاپ دوم، تهران: ققنوس، ۱۳۹۵ه.ش.
۲۰. رضائیان، علی، مدیریت خانواده، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ه.ش.
۲۱. سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل، چاپ هجدهم، قم: مدرسه امام صادق، ۱۳۹۱ه.ش.
۲۲. شایان مهر، علیرضا، دائره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ چهارم، تهران: کیهان، ۱۳۸۸ه.ش.
۲۳. شجاعی، محمدصادق، روانشناسی و آسیب شناسی رسانه، چاپ چهاردهم، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷ه.ش.
۲۴. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چاپ اول، نجف اشرف: المطبعة الحیدریه، بی تا.
۲۵. شکوهی، علی، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۸ه.ش.
۲۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، چاپ سوم، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۰ه.ق.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ شصت و ششم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۴ه.ق.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دهم، بیروت: دار المرتضی، ۱۴۳۲ه.ق.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، چاپ نهم، بیروت: دار الکتب، ۱۴۲۶ه.ق.
۳۰. کرمی، خدابخش، مؤلفه‌های سلامتی و توسعه، چاپ چهارم، تهران: تیمورزاده، ۱۳۸۶ه.ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ سیزدهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۵.

۳۲. کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ه.ش.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر الأخبار، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۳۴. محقق داماد، مصطفی، تحلیل فقهی حقوق خانواده، چاپ پنجم، تهران: بیهقی، ۱۳۸۴ ه.ش.
۳۵. محمدی اصل، عباس، جنسیت ازدواج سفید، چاپ دوم، تهران: نواندیش، ۱۳۹۵ ه.ش.
۳۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ پنجم، تهران: دارالحديث، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۷. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، چاپ بیست و چهارم، تهران: صدرا، ۱۳۷۹ ه.ش.
۳۸. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، چاپ بیست و دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۷ ه.ش.
۳۹. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، چاپ سی و چهارم، قم: صدرا، ۱۳۹۰ ه.ش.
۴۰. مظاهری، حسین، اخلاق خانواده، چاپ ششم، اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء، ۱۳۹۵ ه.ش.
۴۱. معیدفر، سعید، پذیرش یا رد ازدواج سفید، چاپ هشتم، تهران: دانش، ۱۳۹۴ ه.ش.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، انوارالفقاهه: کتاب النکاح، چاپ بیستم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۸۰ ه.ش.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سی و چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۸۳.
۴۴. منتظرالقائم، مهدی، اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه های خاموش، چاپ اول، تهران: مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۳۸۴ ه.ش.
۴۵. موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، چاپ بیستم، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ه.ش.
۴۶. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سیزدهم، تهران: میزان، ۱۳۸۵ ه.ش.
۴۷. مینویی، زهرا، بررسی ازدواج سفید، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۱ ه.ش.
۴۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ بیست و سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ه.ش.
۴۹. نراقی، احمد، معراج السعاده، چاپ بیستم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ه.ش.

۵۰. نقابت، ضیاء الدین، مطالعه نظری و عملی در حقوق جزا، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه.ش.
۵۱. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، چاپ ششم، قم: نشر مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۵ ه.ق.